

بنام خداوند جان آفرین

فرهنگ شاهمرسی

(ترکی - فارسی)

حاوی ۴۰۰۰ واژه و اصطلاح

رایج و محروک

زبان ترکی آذربایجانی

همراه با تلفظ لاتین و معادل فارسی

تألیف:

پرویز زارع شاهمرسی

سرشناسه	زارع شاهمرسی، پرویز، ۱۳۵۰-
عنوان و نام پدیدآور	فرهنگ شاهمرسی ترکی - فارسی حاوی ۴۰۰۰۰ واژه و اصطلاح رایج و متروک زبان ترکی آذربایجانی همراه با تلفظ لاتین و معادل فارسی / پرویز زارع شاهمرسی.
مشخصات نشر	تبریز: بیلاق قلم، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۱۰۷۲ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۶-۹۳-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیپا	
یادداشت	فارسی-ترکی.
یادداشت	چاپ پنجم.
موضوع	زبان ترکی آذربایجانی -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی.
موضوع	Azerbaijani language -- Dictionaries -- Persian
رده بندی کج	PL۳۱۳
رده بندی دیوپی	۴۹۴/۳۶۱۳
شماره کتابشناسی ملی	۶۰۵۵۰



فرهنگ ترکی-فارسی شاهمرسی

پرویز زارع شاهمرسی

ناشر: انتشارات بیلاق قلم

چاپ پنجم (اول برای ناشر) ۱۳۹۸ / ۱۰۷۲ صفحه / قطع وزیری / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۶-۹۳-۰

مرکز فروش: تبریز- اول خیابان طالقانی، روبروی مصلی

تلفن: ۳۵۵۵۵۳۹۳-۴۱

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

بنام خداوند جان آفرین

پیشگفتار

گنجینه پر از لغات زبان ترکی آنچنان گسترده است که گام گذاشتن در راه گردآوری آن، همتی والا و عظیمی را می‌طلبد. با گذشت زمان و گسترش ارتباطات اجتماعی میان مردم کشورهای گوناگون، واژگانی از دایره سخن بیرون می‌شوند و واژگانی تازه در زبان کسان جاری می‌شوند. از این رو بایسته است تا فرهنگ‌های نویی شوند و واژگان گردهم آیند و فرا روی شیفتگان جای گیرند.

واژه در سیر زندگی یک مردم، آینه‌ای است که اندیشه مردم با واژگان موجود در زبان آنها همبستگی بس پایداری دارد. میزان این ارتباط به قدری است که زبان‌شناسان در تعیین میزان و مراتب آن بس سخنها به گونه‌گونی دادند. در زندگی، واژگان رنگ به دیگر گونه می‌گیرند و با ظاهری تازه بازمی‌گردند و یا به تمامی از گردونه سخن بیرون می‌شوند و در صفحات تاریخ ادبیات جای می‌گیرند.

کار گردآوری واژه کاری است بس سخت و بس شیرین. سخت از آن روی که کاری بغایت بزرگ است و زمان بسیار می‌طلبد و شیرین از آن روی که در وازمان است که انسان را به سیر در هزارتوی فرهنگ یک مردم می‌برد. در سختی آن صبر پیشه کرده و در شیرینی اش حلاوتها چشیدم. چنین شد که این فرهنگ به دایره وجود گام نهاد.

بر آنم که هرگز نمی‌توان فرهنگ لغاتی کامل ترتیب داد. یعنی بستن باب لغات یک زبان در یک کتاب به تمامی ممکن نیست. این اما نمی‌تواند راه را بر گردآوری لغت برسد. را که در هر زمان این کار بایسته است. این به آن معنی تواند بود که باید هرکس گوشه‌ای از کار را گیرد و این واژگان از زبان مردم بر نوشته بیارد و در صحیفه تاریخی بشر به ثبت رساند.

چندی بود که در کار ترجمه و پژوهش زبان ترکی دستی برده و دو سه چیزی آموخته بودم اما هرچه پیشتر می‌رفتم، بر بضاعت بسیار اندک خود آگاه می‌شدم و این بر اندیشه‌ام کار می‌کرد. فکر گردآوری لغات زبان ترکی لهجه آذربایجانی پس از آن روی داد که کتاب «تاریخ پانصد ساله تبریز» را به فارسی برگردانیدم و انگیزه‌ام بسی بیشتر شد.

چون با دوستان فرهیخته‌ام در این کار سخن پیش آوردم، آنان بزرگی کار بر من باز گفتند و از دلگرم کردن من فرو نگذاشتند. چون کار با نام خدا آغاز شد و پیش رفت، سختی و شیرینی کار هر

دو بر من آشکار شد. با شوقی فراوان پیش رفتم.

ابتدا تمامی واژگان موجود در فرهنگهای کنونی را گرد آورده و سپس به تکمیل آنها از طریق مراجعه به کتابهای قدیمی، گفتارهای مردم و منابع تکمیلی و توضیحی پرداختم. در این راه بسیار به سخنان پیرمردان و پیرزنان، ترانه‌ها، اپراها و فیلمها گوش دادم و واژگان بسیار جالب گرد آورده و بر پیش نویس خود افزودم. سپس طرز بیان صحیح و یا صحیحتر واژگان را به الفبای لاتین نوشتم. همه کارهای حروفچینی، نمونه خوانی و آماده سازی و صفحه آرایی را خود انجام دادم و این نبود مگر کاری طاقت فرسا که رندان بر چند و چون آن آگاهند.

هفتاد و هشت سال من گردآوری آن دسته از لغات زبان ترکی بود که در آذربایجان بر کار بوده و است. در این کار آنچه به عنوان الگوی خود قرار دادم، فرهنگ فارسی عمید بود که فرهنگی است بغایت وزین و متن. نخواهم با آوردن نامهای مکانها و اشخاص و توضیح درباره آنها دایره کار را گشاده تر کنم و چه بسا که آنها صرف اینکار می‌شد. این سخن بدان معنی نیست که این کار بیهوده است ولی من همواره سخن آقای سعد نفیسی را به یاد دارم که گفت: «درنامهای جغرافیایی نام هر آبادی را ضبط کردن جز کاغذ و قلم و اتلاف وقت چیزی نیست».

از این رو دایره کار را محدود به لغات و اصطلاحات نمودم اگرچه نیمیگاهی نیز به آن کار دارم و چیزهایی گرد آورده‌ام که به خواست خدا به نگارش درآید. کار، دوباره دستی بالا خواهم زد. در کار واژگان ترکی نیز کوشش فراوان نمودم تا واژگان موجود در لهجه‌های مختلف آذربایجانی را وارد کنم. در این کار بزرگانی مرا یاری دادند و از شهرستانهای مختلف برای من واژه فرستادند که دست مرزادشان باد. بر من است از گرامیانی سپاسگذاری نمایم که واژه‌ها را ارزشمنند به این فرهنگ افزودند و در این کار دستی بر آتش بردند. همچنین دانش آموزانم از روستاهای مختلف با آوردن واژگان جالب، نقشی بزرگ در پیدایش این فرهنگ داشتند. خدایشان در کارها آوندی دهد. اگر از خوانندگان گرانقدر، بیرون از واژگان موجود در این فرهنگ، واژه‌ای دیگر به یاد دارند، بزرگوارانه آن را به نشانی shahmarasi@yahoo.com بفرستند تا در چاپهای بعدی افزوده گردد و کار سامانی دگر یابد.

پرویز زارع شاهمرسی

تبریز. لاله زار. ۱۳۸۷/۵/۱۹